

ارتباط جرم زایی و مقررات جزایی کشور

محمد سخاوت

سرشناسه	: سخاوت، محمد، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور	: ارتباط جرم‌زایی و مقررات جزایی کشور/محمد سخاوت؛ ویراستار الهام کسایی پور
مشخصات نشر	: تهران: ویهان، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۰-۰۰۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: جرم شناسی - - ایران
موضوع	: Criminology -- Iran:
موضوع	: حقوق جزا- - ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran:
موضوع	: جرم و جنایت- - ایران - - جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Crime -- Iran -- Social aspects:
رده بندی کنگره	: KMH۳۰۰۰
رده بندی دیویی	: ۳۲۵ د۵:
شماره کتابشناسی ملی	: ۵، ۶۰۰۰:

عنوان کتاب	: ارتباط جرم‌زایی و مقررات جزایی کشور
ناشر	: انتشارات ویهان
مؤلف	: محمد سخاوت
ویراستار	: الهام کسایی پور
مدیر تولید	: آموزشگاه شریف یار
صفحه آرا	: عباس کسایی پور
طراح جلد	: محدثه حاجی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۸
چاپ و صحافی	: آموزشگاه آزاد فنی و حرفه ای شریف یار
ناظر چاپ	: حمیدرضا خاشعی و رنامخواستی
قیمت	: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۰-۰۰۰-۹
ISBN:978-622-250-000-9

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

دفتر پخش: تهران، خیابان جمهوری بعد از خ ابوریحان روبروی اورژانس تهران پاساژ خاجویی پلاک ۳۵

شماره های تماس: ۰۹۱۲۵۲۷۹۲۴۸-۰۹۱۹۶۸۳۷۱۵۲-۶۶۱۷۵۷۹۱

دفتر موسسه شریف یار: فلکه دوم صادقیه، خ اشرفی اصفهانی، خ سازمان آب غربی، ساختمان نور قائم، پلاک ۱

شماره های تماس: ۰۹۰۲۰۰۸۹۱۲۹-۴۴۰۲۰۲۴۱

مقدمه

قانون کیفری در سیاست جنایی به عنوان مهمترین ابزار از جایگاه ویژه برخوردار است. اصول سیاست کیفری هر کشور در حقوق کیفری موضوعه آن و در میان قواعد و مفاهیم مندرج در آن انعکاس می‌یابد. هر قانونی کیفری با وجود تمامی مزایا و منافی که برای یک جامعه دارد، بدون تردید می‌تواند خطر ساز و افزایش دهنده قدرت دولت باشد. شاید به کار بردن عبارت نقش قوانین کیفری در جرم‌زایی تا حد زیادی موجب شگفتی گردد و این سؤال مطرح سازد که چگونه ممکن است قانون کیفری خود موجب ایجاد جرم‌زایی گردد؟

منتسکیر می‌گوید: «فلسفه جامعه بر دو قسم است: اول هنگامی که توده مردم قوانین را مراعات نمی‌کنند، این قسمت چاره پذیر است. دیگر، آن که قوانین توده مردم را فاسد می‌کند که این درد، درمانی ندارد زیرا درد ناشی از خود درمان است». آنچه که در وهله‌ی اول یک امر بدیهی است این است که اعمال ناکمیت قضایی در هر جامعه‌ای بر عهده دولت است و دیگر دوران عدالت خصوصی را اعمال و آش‌ علیه جرم توسط افراد عادی گذشته است و کشف و پیگیری و تعقیب و مجازات مجرمین بر عهده دولت‌ها می‌باشد و دیگر نمی‌توان افراد را به جای دولت در مبارزه با بزهکاری و اعمال مجازات بر علیه آنها نشانده؛ چرا که در این صورت قانون خود باعث ایجاد نافرمانی و هرج و مرج خواهد شد که اولین نتیجه حاصل از آن، در معرض تعرض قرار گرفتن حقوق و آزادی‌های تبعات قانون خواهد بود. قانون‌گذار کیفری ایران در مواد مختلفی از ق. م. ا به افراد عادی نوعی مبارزه بزهکاری را از طریق اعمال خشونت اعطا نموده و افراد در برخی مواقع به جای نظام عدالت داری نشانده تا خود عمل معیار با هنجارهای اجتماعی را کشف نموده و عدالت اجرا نماید است. در بعضی مواقع نیز قانون با تجویز ارتکاب اعمال جرم گونه چه به طور صریح یا ضمنی امکان بزهکار زایی قانون مجازات اسلامی را فراهم می‌نماید. اگر قانون‌گذار کیفری به یافته‌ها و واقعیت‌های جرم شناسی بی‌توجه باشد بسیاری از اصول بنیادین حقوق کیفری فراموش خواهند شد یا زیر پا گذاشته می‌شوند. از جمله این اصول اصل رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و اصل حمایت از افراد است. از طرف دیگر یکی از ساز و کارهای مهم در عرصه‌ی سیاست جنایی، ساز و کار جرم انگاری می‌باشد. جرم انگاری یک فرآیند گزینشی است که موجب آن قانون‌گذار با در

نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی یا ضرورت دیگر، بر پایه مبانی نظری مورد قبول خود، رفتاری را ممنوع یا الزام آور می‌کند و برای حمایت از آن ضمانت اجرای کیفری که آخرین تهدید حقوقی است قرار می‌دهد. جرم انگاری یک رفتار موجب تجویز مداخله دولت و در مقابل آن تحدید قلمرو حقوق و آزادی‌های فردی می‌شود. لذا قبل از هر چیزی ضروری است که به تشریح مبانی توجیه کننده مداخله دولت پرداخت که در این صورت می‌توان به موجه بودن یا غیر موجه بودن برخی از اقدامات در زمینه جرم انگاری‌ها پی برد. همچنین به دلیل پررینه بودن و داشتن پیامدهای منفی برخورد کیفری، قانون‌گذار باید بسیار محتاطانه سمت استفاده از این ساز و کار گام بردارد؛ زیرا قانون‌گذاری که بدون توجه به ضوابط و معیارهای جرم انگاری و واقعیت‌های موجود در جامعه افسار گسیخته و بی حد و مرز به جرم انگاری بوسیله سر شود، نه تنها موفق به کنترل و مهار بزهکاری نخواهد شد بلکه در نتیجه این امر با مشکلاتی از قبیل افزایش عناوین مجرمانه و در نتیجه مداخله گسترده حقوق کیفری رو به رو خواهد شد؛ بنابراین اگر قوانین کیفری متعدد باشند و با حقوق طبیعی و فطری انسانها ماهیت نداشته باشند، شهروندان از همه آن قوانین تمکین نمی‌کنند و عدم تمکین از مقررات کیفری را با ضمانت اجرای شدید همراه است که موجب عکس العمل متقابل جامعه نسبت به آنها می‌شود؛ بنابراین حتی الامکان باید کوشید که تدوین قوانین جزایی به عنوان آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل و باید تنها به آن دسته از تخلفات ارتكابی که به وجدان عمومی شدیداً ضربه می‌زند، غیر قابل گذشت است، وصف مجرمانه داد و آنها را جرم تلقی کرد. برای اقدام به جرم انگاری یقین باید شناخت کافی از ارزش‌های جامعه به دست آورد. قانون باید آنچنان با واقعیت‌های اجتماعی، سنت‌ها، عملکردها و اعتقادات و عرف‌های جامعه هماهنگ باشد که افراد اجرای آن را تحمیل به خود ندانسته و بپذیرند که قانون مصوب برای رفاه، سعادت و تکامل مادی و معنوی آنان وضع شده و نشانگر روشهای علمی زمان می‌باشد و باور کنند که اگر قانون هم وجود نداشت، باز هم عقل سلیم، منطق ساده بشری و اجرای عدالت واقعی ایجاب می‌کرد تا به همان ترتیب رفتار شود؛ بنابراین قانون‌گذار برای جرم انگاری، الزاماً باید اصول و معیارهایی را مدنظر داشته باشد تا روند جرم انگاری و به تبع آن سیاست جنایی در رسیدن به اهداف خود با موفقیت رو به رو شود. در نیمه سده‌ی نخست عصر حاضر حقوق کیفری و نهادهای مختلف

آن در اثر وقایع جنگ‌های اول و دوم جهانی و پیامدهای سیاسی آن برای حکومت‌های منبعث از این وقایع، به ابزارهای سرکوب‌گر علیه شهروندان تبدیل شد. جرم انگاری‌های فراوان موسوم شد و از همه مهمتر اصل قانون مندی جرائم و مجازات‌ها با اعمال اصل قیاس و تمثیل در امور کیفری قویاً خدشه‌دار و دست قضاوت برای تعقیب و سرکوب هر عمل یا رفتاری که برای آن حکومت‌ها خطر تلقی می‌گردید باز شد. در کل شدت مجازات‌ها و تنوع اعمال مجرمانه را می‌توان مهمترین بازتاب تسلط جریان‌های سیاسی در عرصه سیاست جنایی، حقیقت کیفری دانست. در ایران نیز به لحاظ افزایش رو به تزاید عناوین مجرمانه و وضعیت خرابی است. با نگاهی اجمالی به برخی از موارد جزایی می‌توان گفت که قانون‌گذار به هنگام تدوین قوانین جزایی گویا فراموش کرده که استفاده از حربه کیفر باید به عنوان آخرین گزینه باشد و برعکس، آن را یگانه راه حل مشکلات جامعه تلقی نموده و بدون توجه به ضوابط و معیارهای حاکم بر جرم انگاری حجم وسیعی از رفتارها را به عنوان جرم وارد سیاهه قوانین کیفری نموده است. متن متعاقب انقلاب اسلامی درصدد پیاده نمودن احکام و قوانین شرعی برآمده و بعضاً آنچه را که در فقه عنوان حرام داشت بدان وصف مجرمانه بخشیده و وارد مجموعه قوانین جنایی شده و به کمک پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر و قهرآمیز درصدد حاکم ساختن و اجرای ارزش‌های مذهبی و مجبور نمودن تابعان حقوق کیفری به تبعیت از آنها برآمده است.

در بیست سال اخیر در ایران، بیش از ۲۷۰ فقره مقرر کیفر از سوی مراجع مختلف تصویب شده که اگر به این مجموعه، ۱۱۳ رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نیز مقررات کیفری فراوانی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده را اضافه کنیم عدد بزرگی را به خود اختصاص خواهد داد. تصویب این همه مقررات کیفری با سیاست جنایی نوین به هیچ روی سازگار نیست. قانون‌گذار ما با هر ناهنجاری، کژروی و انحراف به سان بزه برخورد نموده و بدون توجه به اینکه باید برای این عناوین به دنبال پاسخ‌های اجتماعی بود بدان‌ها وصف مجرمانه بخشیده و بدین ترتیب موجب افزایش عناوین مجرمانه شده است. افزایش عناوین مجرمانه موجب یک حالت ناهنجاری است، در چنین حالتی هیچ کس با اطمینان نمی‌داند که چه امری از نظر قانون‌گذار ممنوع اعلام گردیده است. وقتی که کشوری برای کاهش و یا حداقل ثابت نگه داشتن نرخ تبهکاری و جلوگیری از تکرار جرم و

اصلاح و درمان مجرمین با تبعیت از اهداف سنتی مجازات‌ها به تغییرات و تحولات مستمر و دائمی در قوانین که عمدتاً در ارتقای توسعه دامنه جرائم و یا تشدید مجازات‌هاست، اقدام نماید در این حالت نتیجه‌ای جز افزایش عناوین مجرمانه، انباشته شدن زندانها از افراد و ایجاد هزینه‌های سنگین برای اجتماع دربر نخواهد داشت.

www.ketab.ir

فهرست

عنوان

صفحه

۹	مقدمه
۱۷	فصل اول
۱۷	جرم
۱۸	جرم انگاری
۲۰	تفاوت جرم انگاری و جرم زایی
۲۱	انواع جرم انگاری
۲۱	جرم انگاری تقنینی
۲۲	گسترش عنصر دی
۲۳	کاهش دامنه عنصر سنوی
۲۴	ایجاد جرایم جدید
۲۴	جرم انگاری قصد مجرم
۲۵	جرم انگاری شروع به جرم
۲۶	جرم انگاری قضائی
۲۶	جرم انگاری قضایی آشکار
۲۸	جرم انگاری قضایی پنهان
۳۰	پیشینه تاریخی جرم انگاری در حقوق اسلام
۳۳	پیشینه تاریخی جرم انگاری در حقوق ایران
۳۵	پیشینه تاریخی جرم انگاری در سایر مکاتب
۳۵	مکتب اصالت سودمندی
۳۶	مکتب اصالت مطلق
۳۷	مکتب نئوکلاسیک
۳۸	مکتب اصالت تحصیل
۳۸	مکتب دفاع اجتماعی
۴۱	فصل دوم
۴۱	نقش مستقیم قانون به عنوان عامل جرم زا
۴۲	جرم زایی ناشی از تجویز قانونی ارتکاب اعمال جرم گونه
۴۳	تأدیب اطفال و محجورین از دیدگاه جرم زایی
۴۴	محدوده تنبیه و تأدیب کودکان

۴۸	 مبنا و علت اعطای اختیار تأدیب و تنبیه کودکان
۴۹	 پیامدهای اجتماعی سوء استفاده از این اختیار
۴۹	 بالا بودن رقم سیاه بزهکاری در جرائم علیه اطفال
۵۰	 بزه دیده - بزهکار
۵۲	 بزه دیده - بزه دیده
۵۳	 جرم زایی در پرتو انتقال حق دادگستری به افراد عادی
۵۴	 قتل در فراش
۵۵	 فرآیند قانون گذاری ایران
۵۶	 نظریه های زوجی در وضع ماده ۶۳۰ ق.م.ا.
۵۸	 بررسی امکان جرم زایی ماده ۶۳۰ ق.م.ا.
۶۱	 جرم زایی سیستم کیفری ایران در پرتو قتل های ناموسی
۶۳	 قتل به تصور مهد والدین بودن مقتول
۶۶	 تفویض اختیار مبارزه با بزه های به اعضای جامعه
۶۸	 نقش غیر مستقیم قانون به عنوان عامل جرم زا
۶۸	 عدول از رژیم قانونی بودن حقوق کیفری
۷۲	 اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها در قانون اساسی ایران
۷۴	 اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها در قوانین جزایی ایران
۷۶	 ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی
۷۷	 مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی
۷۸	 ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی
۷۹	 ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی
۸۱	 فصل سوم
۸۱	 امکان بزه دیده زایی قانون در پرتو عدول از اصل حمایت
۸۳	 نظریه های جرم شناسی و اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در حمایت از زنان
۸۴	 نقش بزه دیده در فرآیند جنایی
۸۷	 معیارهای آسیب پذیری بیشتر افراد با تأکید بر عامل جنسیت
۸۸	 اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در حمایت از زنان
۹۲	 آثار عدول از اصل حمایت
۹۶	 خلاء قوانین کیفری در جهت حمایت از اطفال
۹۷	 چالش های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان
۱۰۵	 تدابیر معارض با اصل حمایت از اطفال در قانون مجازات اسلامی

۱۰۸	پیش بینی مجازات‌های نامتناسب
۱۱۰	معیارهای ارزیابی تناسب مجازات با جرم
۱۱۰	معیار صدمه وارده
۱۱۲	معیار تناسب مبتنی بر فایده اجتماعی
۱۱۵	معیار اهمیت جرم ارتكابی
۱۱۶	نوع جرم و خصوصیات شخصیتی مجرم
۱۱۷	معیار تقصیر بزه دیده
۱۱۸	معیار اهمیت نسبی جرائم
۱۲۱	مبانی فقهی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب
۱۲۲	کاهش مسئولیت کیفری
۱۲۸	سن بلوغ
۱۲۸	سن بلوغ در قرنین و سعوه
۱۳۱	سن بلوغ از دیدگاه فقهی
۱۳۴	سن بلوغ از دیدگاه اصولی
۱۳۷	فصل چهارم
۱۳۷	علل افزایش عناوین مجرمانه
۱۳۷	جرم انگاری افراطی
۱۴۱	قیم مأبی قانونی
۱۴۲	قیم مأبی مطلق یا سخت
۱۴۴	قیم مأبی نسبی یا نرم
۱۴۵	تعدد مراجع قانون‌گذار
۱۴۶	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۴۷	شورای نگهبان
۱۴۸	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۴۹	هیأت عمومی دیوان عالی کشور
۱۵۱	ادغام مفاهیم بزه و انحراف
۱۵۲	مفهوم انحراف
۱۵۳	وجه اشتراک و افتراق بزه و انحراف
۱۵۴	ادغام حقوق کیفری، مذهب و اخلاق
۱۵۵	اختلاط مفاهیم جرم و گناه
۱۵۷	اخلاق گرایی قانونی

۱۵۹	پذیرش کیفر به عنوان یگانه راه حل تضمین ارزش‌های اجتماعی
۱۶۳	فصل پنجم
۱۶۳	خلع سلاح کیفری و از بین رفتن قبح اجتماعی
۱۶۶	ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به امکانات دستگاه قضایی
۱۶۶	افزایش رقم سیاه بزهکاری
۱۶۸	وقفه در عملکرد دستگاه عدالت کیفری
۱۶۹	ازدیاد جمعیت کیفری زندان‌ها
۱۷۰	لطمه به آسایشی‌های فردی و عدالت اجتماعی
۱۷۰	خودکامگ مجریان عدالت کیفری و امکان سوء استفاده در اجرای قانون
۱۷۱	نوسان مفهوم عدالت
۱۷۱	امکان سوء استفاده قوه مجریه
۱۷۲	جرم زایی بالقوه حقوق کیفری
۱۷۳	ایجاد شرایط مجرمانه در پرتو فرآیند برچسب زنی
۱۷۴	ایجاد شرایط مجرمانه در پرتو جرم‌انگاری رخی رفتارها
۱۷۶	تضعیف قدرت اخلاقی حقوق کیفری
۱۷۶	ازدیاد عناوین مجرمانه در رابطه با موضوعات با اهمیت
۱۷۷	ازدیاد عناوین مجرمانه بدون توجه به انتظارات عمومی
۱۸۷	منابع و مآخذ